

توجه: ضمن عرض سلام و آرزوی موفقیت برای شما، تأکید می‌شود که سوالات ذیل فقط برای آشنایی با نحوه سوالات پایان ترم است؛ بنابراین طلاب محترم باید تمامی مطالب محدوده اعلان شده را مطالعه کنند و آمادگی پاسخگویی به سوالات دیگر را داشته باشند.

۱. اصطلاحات زیر را تعریف کنید.

اسم کلمه ای که دلالت می‌کند بر معنایی مستقل که همراه با زمان خاصی نیست. دَهَاب = رفتن. کِتَاب
مصدر صناعی اسمی است که ساخته می‌شود از یک لفظ تا یک معنای وصفی خاص (شبيه معنای مصدری)
به آن بدهد. انسانیة = انسان بودن . جاهلیة = جاهل بودن

اسم مصدر اسمی است که دال بر نتیجه و حاصل مصدر است. الغسل = پاکیزگی (نتیجه شست و شو)

۲. نوع اسمهای زیر را مشخص کنید. (ممدود، مقصور، منقوص، صحیح و شبه صحیح)

مَدْعُوّ شبه صحیح ماء صحیح هُدِي مقصور لَيَالِي منقوص كُرْسِيّ شبه صحیح

رِدَاء ممدود عَصَا مقصور حَوَارِي منقوص مَرْمِيّ شبه صحیح مَرَأَة صحیح

۳. دو قاعده زیر را با بیان مثالی توضیح دهید.

تقلب الواو و الیاء همزة إذا تطرّفتا بعد ألف زائدة

قاعده اوّل واو و یاء اگر در آخر کلمه و بعد از الف زائده بیایند، قلب به همزه می‌شوند. دُعَاو دُعَاء . بِنَائِ بِنَاء

تقلب الواو یاء إذا تطرّفت و سبقتها ضمّة

قاعده هفتم : واو ماقبل مضموم (و) اگر در آخر اسم بیاید، قلب به یاء می‌شود. تَرَجُّو تَرَجُّو (تَرَجُّو)

۴. «تقلب الواو یاء و حوباً اذا وقعت بعد كسرة و قبل ألف في موضعين».

دو موردی را که «واو» بعد از کسره و قبل از الف تبدیل به «یاء» می‌شود، با مثال توضیح دهید.

۱- مصدر اجوف (اگر در ماضی آن مصدر، اعلال رخ داده باشد. (اگر در ماضی اعلال رخ ندهد، در مصدر هم

واو تبدیل به یاء نمی‌شود.) صِوَام صِیَام

۲- جمع مکسر از اسم اجوف، به یکی از این ۲ شرط:

الف: حرف عله در مفرد آن جمع مکسر، ساکن باشد. ثَوْب ثِيَاب

ب: حرف عله (واو) در مفرد اعلال شده باشد. دَار دِيَار

۵. دو کلمه «وَوَاقِي» و «مَرْمُوی» طبق قواعد اعلال اسم، چه تغییری می‌یابند؟ قاعده را بنویسید.

وَوَاقِي = وَوَاقِي قاعده چهارم: هرگاه دو واو در اوّل اسم جمع شوند، اوّلین واو تبدیل به همزه می‌شود.

مَرْمُوی = مَرْمُی < مَرْمِی

ابتدا قاعده پنجم: هرگاه واو و یاء در یک کلمه یا شبه کلمه باشند و هرکدام که زودتر آمده ساکن و غیر منقلب باشد، در اینصورت واو کلمه تبدیل به یاء می شود. در اینجا واو زودتر آمده و چون ساکن غیر منقلب است بنابراین واو کلمه تبدیل به یاء می شود.

سپس طبق قاعده دهم: ضمه (قبل از یاء) تبدیل به کسره می شود.

۶. **أصل کلمه «مَرْمِی» چیست؟ و چه قواعدی بر آن اجرا شده است؟ توضیح دهید.**

در پاسخ سوال ۵ آمده.

۷. **اگر فعل ثلاثی مجرد بر درد و مریضی و یا سیر و انتقال دلالت کند مصدرش غالباً بر چه وزنی می آید؟ مثال بنویسید.**

مصدر دال بر درد و مریضی = وزن فُعال : زُکاماً . سُعالاً

مصدر دال بر سیر و انتقال = وزن فَعیل : رَحیلاً

۸. **مصدرهای خواسته شده از کلمات زیر را بنویسید.**

أَشَدَّ (صناعی) أَشَدَّیَّة تَصَافَحَ (میمی و مره) مُتَصَافِحَةٌ . مُصَافِح

یَعُودُ (میمی و هیئته) مَعَاد . عَوْدَةٌ یَسیرُ (میمی و هیئته) مَسیر . سیرة

جاهل (صناعی) جاهلیَّة تَعَاتَلَ (میمی و مره) مُتَعَاتِلَةٌ . تَعَاتُلَةٌ

یَنَامُ (میمی و هیئته) مَنَام . نَوْمَةٌ اسْتَرَاخَ (میمی و مره) مُسْتَرَاخٌ . اسْتِرَاخَةٌ واحده

مَظْلُوم (صناعی) مَظْلُومیَّة

۹. **موارد خواسته شده از کلمات زیر را بنویسید.**

یَعِدُّ (اسم فاعل و اسم مکان) وَاَعِد . مَوَعِد یَبیع (اسم فاعل و اسم مفعول) بَائِع . مَبیع

یَضطَّرُّ (اسم فاعل و اسم زمان) مُضطَّرٌّ . مُضطَّرٌّ یَسیلُ (اسم زمان و اسم مفعول) مَسیل . مَسیل

یَصَدِّقُ (اسم فاعل و اسم زمان) مُصَدِّقٌ . مُصَدِّقٌ خَصِرَ (صفت مشبیه و اسم تفضیل) أَخضَرَ خَضراء . أَشَدُّ خُضرةً

یَنوی (اسم زمان و اسم مفعول) مَثوی . مَثوی به حَمَرَ (صفت مشبیه و اسم تفضیل) أَحمرَ حَمراء . أَشَدُّ حُمرةً

إِصطاد (اسم فاعل و اسم مکان) مُصطاد . مُصطاد

۱۰. نوع مشتق را در کلمات زیر مشخص کنید.

تَوَّاب اسم مبالغه عَوْرَاء صفت مشبّهه مَبِيع اسم مفعول و مکان و زمان مِكْسَحَة اسم آلت

مِعْطَاء اسم مبالغه حَوْرَاء صفت مشبّهه سَكَرَان صفت مشبّهه مِحْلَب اسم آلت شِرْبِير اسم مبالغه

۱۱. در آیه شریفه: «بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ» و آیه «هَذَا خَلَقُ اللَّهِ» مفتون و خلق به ترتیب چه معنایی دارند؟

مفتون اسم مفعول است به معنای مصدری فِتْنَة آمده و خَلَق مصدر است به معنای مفعولی مخلوق آمده است.

۱۲. در آیه شریفه: «جَنَاتٍ عَدْنٍ مُّفْتَحَةٍ لَهُمُ الْأَبْوَابُ» کلمه «مُفْتَحَةٍ» چه نوع مشتقی است؟ چرا؟

صفت مشبّهه است.

اگر از ثلاثی مجرّد اسمی بر وزن فاعل یا مفعول ساخته شود و از آن معنای ثبوتی اراده شود (نه حدوثی)، در

اینصورت این کلمه صفت مشبّهه به حساب می آید (هرچند بر وزن فاعل یا مفعول آمده باشد).

۱۳. با توجه به نحوه استعمال افعال تفضیل، عبارت های زیر صحیح است یا غلط؟ چرا؟

فاطمات أفضل النساء صحیح.

هرگاه افعال تفضیل مضاف به معرفه شود (مضافٌ الیه آن معرفه باشد) هم می توانیم در تمام موارد، مفرد مذکر

بیاوریم و هم می توانیم آن را مطابق موصوف بیاوریم. فاطمات أفضل النساء. فاطمات فضلیات النساء.

فاطمات الفضلی من غیرهنّ غلط.

هرگاه پس از افعال تفضیل (من + مجرورش) بیاید، در این صورت، اسم تفضیل همواره مفرد مذکر می آید. (یعنی

نه مثنی و جمع می شود و نه مؤنث بلکه برای همه حالات با یک لفظ افعال می آید.) فاطمات أفضل من غیرهنّ.

زینب فضلی امرأة غلط.

هرگاه افعال تفضیل مضاف به نکره باشد (مضافٌ الیه آن نکره باشد) اسم تفضیل همواره مفرد مذکر می آید. (یک

لفظ برای همه موارد مثنی و جمع مؤنث و مذکر) زینب أفضل امرأة

فاطمات فضلی امرأة غلط.

هرگاه افعال تفضیل مضاف به نکره باشد، اسم تفضیل همواره مفرد مذکر می آید. (یک لفظ برای همه موارد مثنی

و جمع مؤنث و مذکر). قبل و بعد از افعال تفضیل باید مطابقت داشته باشند. فاطمات أفضل نساء.

فاطمات فضلیات من غیرهنّ غلط.

هرگاه پس از افعال تفضیل (من + مجرورش) بیاید، در این صورت، اسم تفضیل همواره مفرد مذکر می آید. (یعنی نه مثنی و جمع می شود و نه مؤنث بلکه برای همه حالات با یک لفظ أَفْعَل می آید.) فاطمات أَفْضَلُ من غیرهنّ.

هِنَّ أَفْضَلُ النَّاسِ صحیح.

هرگاه افعال تفضیل مضاف به معرفه شود (مضافٌ الیه آن معرفه باشد) هم می توانیم در تمام موارد، مفرد مذکر بیاوریم و هم می توانیم آن را مطابق موصوف بیاوریم. هِنَّ أَفْضَلُ النَّاسِ . هِنَّ فَضْلِيَّاتُ النَّسَاءِ.

۱۴. اسم مکان فعل های «إِسْتَشْفَى» و «إِصْطَادَ» چیست؟

مُسْتَشْفَى . مُصْطَاد

۱۵. در کلمات «إِقَامَةٌ»، «شَفَقَةٌ»، «تَبَصُّرَةٌ» و در عبارت «يَا أَبَتِ» حرف تاء عوض از چیست؟

إِقَامَةٌ عوض از عین الفعل (إِقْوَام) شَفَقَةٌ عوض از لام الفعل (شَفَقَهُ يَا شَفَقُوْ)

تَبَصُّرَةٌ عوض از حرف زائد (تبصیر) يَا أَبَتِ عوض از یاء متکلم (یا اَبی)

۱۶. با توجه به بحث مذکر و مؤنث، مثال های زیر صحیح است یا غلط؟ چرا؟

جاءَ فاطمةٌ غلط. وجوب تأنیث فعل در مونث حقیقی و بلافاصله از فعل. جاءتِ فاطمة.

إمرأةٌ کریم غلط. صفت باید با موصوف مطابقت کند. امرأةٌ کریمه.

إمرأةٌ جَرِيْحٌ صحیح. فعیل به معنای مفعول برای مونث و مذکر یکسان می آید.

جِنَّ الْمَسْلَمَاتُ غلط. جواز تذکیر و تأنیث برای اسم ظاهر جمع مونث سالم به صورت صیغه ۱ یا ۴. جاءَ

المسلماتُ؛ جاءتِ المسلماتُ.

البئْرُ اِمْتَلَأَ غلط. برای مونث معنوی، ضمیر فعل باید صیغه ۴ بیاید. البئْرُ الممتلأَت.

ذهبوا الرجالُ غلط. جواز تذکیر و تأنیث فعل در اسم ظاهر جمع مکسر به صورت صیغه ۱ یا ۴. ذهبَ الرجالُ؛

ذهبَتِ الرجالُ.

مَضَتِ الرُّكْبُ صحیح. جواز تذکیر و تأنیث فعل در اسم جمع آدم به صورت صیغه ۱ یا ۴. مضَى الرُّكْبُ؛ مضَتِ

الرُّكْبُ.

جاءتِ الرجالُ صحیح. جواز تذکیر و تأنیث فعل در جمع مکسر به صورت صیغه ۱ یا ۴. جاءَ الرجالُ؛ جاءتِ

الرجال.

فَمُ الْمَشْرِقَةِ صحيح. به اعتبار بقعه، قم را مونث گرفته.

امراة مفضال صحيح. اکثر اوزان مبالغه برای مذکر و مونث یکسان به کار می رود.

جاءت القوم صحيح. جواز تذکیر و تأنیث فعل در اسم جمع آدم به صورت صیغه ۱ یا ۴. جاء القوم؛ جاءت القوم.

۱۷. موارد خواسته شده از کلمات زیر را بنویسید.

أخ (مثنی) أَخَوَانٍ حوت (جمع مکسر) حیتان الْمُعَلِّي (جمع مذکر سالم) الْمُعَلُّونَ . الْمُعَلِّينَ

صَفراء (جمع مونث سالم) در متن کتاب ممدود مونث افعال را نمی شه جمع بست. در سی دی: صفراوات

عَصَا (مثنی) عَصَوَانٍ . عَصَوَيْنِ كُبْرِي (جمع مکسر) كُبْرٍ

المُصْطَفِي (جمع مذکر سالم) الْمُصْطَفُونَ . الْمُصْطَفَيْنِ نَفْسَاء (جمع مونث سالم) نَفْسَاوَات

فَتَي (مثنی) فَتَيَانٍ . فَتَيَيْنِ حُبْلِي (جمع مونث سالم) حُبْلِيَّات رِبَا (مثنی) رَبَوَانٍ . رَبَوَيْنِ

۱۸. چرا از دو کلمه «رَجُل» و «أحمر» نمی توان جمع مذکر سالم ساخت؟

رجل چون علم نیست. احمر چون تأنیثش به ة نیست.

۱۹. آیا از «أحمر» و «صبور» می توان جمع مذکر سالم ساخت؟ چرا؟

خیر. چون تأنیث آنها به ة نیست. حمراء. بدون مونث

۲۰. چرا «أولات» و «بنات» ملحق به جمع مونث سالم است؟

چون ظاهرش مثل جمع مونث است ولی از لفظش مفرد ندارد مثل اولات یا اینکه مفرد از لفظش دارد ولی

ساختمان مفردش بهم ریخته و جمع شده مثل بنات.

۲۱. الف) جمع مکسر «حوت» و «صُرَد» کدام است؟

حیتان . صِردان

ب) دو کلمه «أمالی» و «محاسین» جمع مکسرند؛ مفرد این دو کلمه چیست؟

إملاء . حُسن

۲۲. اوزان قیاسی جمع فله را بنویسید.

أفَعَلَة: أبنیة . أفَعُل: أعین . فِعلَة: فِتیة . أفعال: اطفال

۲۳. صیغه منتهی الجموع را تعریف کرده و مثال بزنید.

جمع الجمع دارای صیغه هایی است که آن صیغه ها را «صیغه های منتهی الجموع» می نامند و هرگاه یک اسم

بر آن وزن‌ها بیاید، م گویند آن اسم بر صیغه منتهی الجموع آمده است (چه جمع الجمع باشد و چه نباشد).

مانند: أَكَالِب

برخی از صیغه‌های منتهی الجموع عبارتند از: أَفَاعِل، أَفَاعِلِ، فَعَائِل، فَعَائِلِ

قاعده کلی صیغه‌های منتهی الجموع این است که: به هر وزن جمعی که دارای الف جمع باشد و بعد از الف

جمع، دو حرف آمده باشد و یا سه حرف (که دومی از آن سه حرف « یاء » باشد)، صیغه منتهی الجموع گفته

می‌شود.

۲۴. اسم جمع را تعریف کرده و مثال بزنید.

اسمی است که از ابتدا برای معنای جمع وضع شده و از لفظ خودش، هیچ مفردی ندارد. مانند: ناس، قوم، قبیله

در واقع اسم جمع، هراسمی است که گروهی را مورد اشاره قرار دهد. (چه انسان و چه غیر انسان)

۲۵. اسم جنس جمعی را تعریف کرده و مثال بزنید.

اسمی است که دال بر جنسی از جانداران (مانند: انسان، نمل) یا غیر جانداران (مانند نخل، تَمَر) می‌باشد.

۲۶. الف تفاوت «اسم جمع» و «اسم جنس جمعی» چیست؟

اسم جمع اسمی است که از ابتدا برای معنای جمع وضع شده و از لفظ خودش، هیچ مفردی ندارد. مانند: قوم؛ و

چون در لفظ مفرد می‌باشد (و جمع نیست)، قابلیت مثنی و جمع شدن را دارد. قَوْمَانِ اقوام.

ولی اسم جنس جمعی اسمی است که دال بر جنسی از جانداران یا غیر جانداران است و قابلیت صدق بر تمام

افراد خود را دارد (چه کم، چه زیاد). مثال فارسی: خُرما (هم به چند عدد آن، خرما می‌گویند و هم به یک تُن،

خرما می‌گویند.)

ب) جمع الجمع بر چه تعدادی از افراد خود دلالت می‌کند؟ مثال بزنید.

گاهی با جمع مکسر (به صورت لفظی) معامله مفرد می‌شود و در نتیجه از آن، جمع سالم یا جمع مکسر جدیدی

ساخته می‌شود که به آن جمع الجمع می‌گویند که حداقل بر ۹ نفر دلالت می‌کند. {جمع مکسر (حداقل سه فرد)

ضربدر جمع مکسر یا سالم (حداقل سه فرد =) حداقل ۹ فرد. مانند: قَوْل أَقْوَالِ أَقْوَالِ. بَيْتِ بَيْوتِ بَيْوتاتِ

۲۷. منسوب کلمات زیر را بنویسید.

فَتْنِي فَتْنَوِي سَنَةِ سَنَوِي أَخِ أَخَوِي ثَانِي ثَانَوِي رَبِّ رَبَّانِي مَثْنِي مَثْنَوِي حَيِّ حَيَوِي يَمَنِي

۲۸. مصغر کلمات زیر را بنویسید.

رِحَالٌ رُجَيْلٌ بِنْتُ بُنَيَّةٍ مِفْتَاحٌ مُفَيْتِحٌ مَدْحَرَجٌ دُحَيْرِجٌ أَبُ أَبِي عَضْبَانَ غَضْبَانَ

مُنْطَلِقٌ مُطَلِّقٌ مُسْتَخْرِجٌ مُخَيْرِجٌ قَمٌ قُوْبَةٌ أخت أَخِيَّةٌ فِرْدَوْسٌ فُرَيْدِيسٌ

۲۹. الف) مصغر دو کلمه «عصا» و «رسالة» به ترتیب چیست؟

عَصِيَّةٌ . رُسَيْلَةٌ

ب) مکبر دو کلمه «عَلِيْمَةٌ» و «دَوِيْرَةٌ» به ترتیب چیست؟

غَلَمَةٌ . دار

۳۰. عبارت «إِذَا وَلِيَّ يَاءُ التَّصْغِيرِ أَلْفٌ قَلْبُ يَاءٍ وَ أَدْغَمَتْ يَاءُ التَّصْغِيرِ فِيهَا» را ترجمه نماید و مثالی برای آن ذکر کنید.

هرگاه بعد از یاء تصغیر الف قرار بگیرد، تبدیل به یاء می شود سپس در یاء تصغیر ادغام می شود. کُتِبَ . رُسَيْلَةٌ

۳۱. عبارت «الْمَدَّةُ النَّانِيَةُ الزَّائِدَةُ تُقَلَّبُ فِي التَّصْغِيرِ وَأَوَّاءٌ إِنْ لَمْ تَكُنْهَا» را ترجمه و با بیان مثالی توضیح دهید.

اگر حرف دوم کلمه مدّ زائد باشد، قلب واو می شود. شُوْبِعِر . صُوْبِرِب

۳۲. علامت نکره چیست؟ یا خودش یا معنایش، ال تعریف می پذیرد. رجل . ذو

۳۳. «ثُمَّ» در چه نوع اشاره‌ای به کار می رود؟ اشاره به مکان بعید

۳۴. الف) در آیه شریفه «قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنِنِي فِيهِ» کلمه «ذَلِكُنَّ» چه نوع اسم اشاره‌ای است؟ توضیح دهید.

ذلک اسم اشاره به مکان و غیرمکان بعید است که به کُنَّ (حرف خطاب) متصل شده. ذلکن . ذَا + ل + ک +

کُنَّ: شما ای زنان، آن مرد که دور است را ...

ب) موصول مشترک را تعریف کنید و موارد آن را فقط نام ببرید.

اسم مبهمی است که در تعیین مدلولش نیازمند به صله می باشد و برای مفرد و مثنی و جمع و مذکر و مؤنث،

الفاظ جداگانه ندارد. عبارتند از: مَنْ، مَا، أَيُّ، أَل، ذَا، ذُو.

۳۵. موصول را تعریف کرده و برای موصول مشترك دو مثال ذکر کنید.

اسم موصول اسم مبهمی است که در تعیین مدلولش نیازمند به صله می باشد. (صله همان جمله یا شبه جمله

(ظرف یا جاّز و مجرور)ی است که بعد از موصول می آید). موصول مشترك: مَنْ، مَا، أَيُّ، أَل، ذَا، ذُو.

۳۶. در چه موردی «کسره» به عنوان علامت اعراب فرعی نیابت از فتحه می کند؟

جمع مونث سالم در حالت نصبی به جای فتحه، کسره می گیرد. رَأَيْتُ الْمُؤْمِنَاتِ.

در چه موردی «الف» به عنوان علامت اعراب فرعی، به نیابت از ضمه می آید؟

مثنی در حالت مرفوعی به جای ضمه، الف می گیرد. جَاءَ الْمُصْطَفِيَانِ.

۲۷. در بحث اعراب تقدیری، در کدام مورد تمام حرکات مقدر می‌شود؟ یک کلمه را مثال بزنید.

در اسم مقصور: رأیتُ موسی . جاء موسی . نظرتُ الی موسی .

در مضاف به یاء متکلم: هذا کتابی . قرأتُ کتابی . انتفعتُ بکتابی .

در اسم معربی که بر آن وقف شده: قال الاستاذ . رأیتُ الاستاذ . انتفعتُ بدرس الاستاذ .

۲۸. اسم فعل چیست؟ برای اسم فعل ماضی و مضارع مثال بزنید.

اسم فعل اسمی است که دارای معنای فعل به همراه تأکید در معنی می باشد و عمل فعل را هم انجام می دهد.

دارای معنای فعل ماضی: هیهات، شتآن، بطآن.

دارای معنای فعل مضارع: أوه، أف، بجل.

۲۹. معنای اسم فعل‌های زیر چیست؟

هیهات بعد شتآن افترق . بعد صه أسکت أف أتضجر رويد أمهل دونک خذ إيه حدث . زد فی عملیک

۴۰. فرق «صه» (بدون تنوین) با «صه» (با تنوین) از جهت معنایی چیست؟

صه یعنی ساکت باش نسبت به کلام معینی؛ ولی صه یعنی مطلقاً ساکت باش از هر کلامی. (تنوین تنکیر است)

۴۱. ترجمه دو عدد زیر را بنویسید.

درس هشتم الدرس الثامن درس هفدهم الدرس السابع عشر مقاله پانزدهم المقالة الخامسة عشرة

۸۷ زن سبعة و ثمانون امرأة ۵۷۳۴ مرد خمسة آلاف و سبعمائة و أربعة و ثلاثون رجلاً

۶۵۳ زن ستمائة و ثلاث و خمسون امرأة

۴۲. دو سبب غیر منصرف بودن اسم‌های زیر چیست؟

«إبراهیم» علم و عجمه «ثلاث» عدل و وصف «عثمان» علم و ان زائده «أفضل» وصف و وزن فعل